

## سازمان آموزش موسیقی شرق و غرب

نوشته فیروز نظامی (پاکستان)

در بسیاری از مناظرات جالب و درخشان درباره روشهای گوناگون موسیقی با شور و دلپستگی فراوان حاضر شده‌ام. به هنگام بحث نیز گواه زور آزمایی دانشمندان بزرگ طرفدار موسیقی غرب و شرق بر سر اثبات برتری روش خودشان بوده‌ام. آشکار است که چنین کوششی طبیعی است و هر طرف می‌کوشد تا استدلال طرف دیگر را رد کند. بنابراین گاهی دیده می‌شود که با مغالطه می‌کوشیم تا دلایل مستقیم بنیاد خود را به کرسی بنشانیم. مطالب فراوانی درباره آموزش موسیقی به نو نهالان گفته شده و روشهای گوناگون نیز با آوردن مثال یا نواختن صفحه یا نوار ضبط صوت از ساخته‌های گوشنواز ارائه شده است. اما احساس می‌کنم که جهت کنونی بحث ما تنها ما را به بن بست می‌کشاند. بسیاری از سمینارها را دیده‌ام که به سبب بی‌توجهی نسبت به اصول و امور مربوط به آن به ناکامی کشیده است. در اینجا فرصت بسیار مغتنمی به دست ما افتاده که با تصمیمات بی‌ریا و خلاق می‌توانیم شرق و غرب را در موسیقی نزدیکتر کنیم. از این گذشته حتی می‌توانیم افق آینده موسیقی جهان را بهبود بخشیم و گسترش دهیم.

من موسیقی همه ملت‌ها را دوست دارم و به این ضرب‌المثل فارسی معتقدم که:

« هر گلی را رنگ و بوئی دیگر است »

هر کشوری با هر سیستمی از موسیقی چیزی زیبا و سودمند دارد که به دیگران بدهد. پس همین نقطه می‌تواند وعده گاه همه دلباختگان و آهنگسازان و پژوهندگان موسیقی باشد. اما درباره آموزش موسیقی آشکار است که باید تفاوتی در روش آموزش در کشورهای گوناگون باشد. ولی هنگامی که به قلب این اصول رسیدگی کنیم درمی‌یابیم که اینها بسیاری چیزهای همانند دارند. تعبیرها چه بسا که گوناگون باشد اما اصول موسیقی یکی است.

چون بی‌طرف هستم سیستم غربی نت نویسی و موسیقی غربی را سرزنش نمی‌کنم. آن را دوست دارم و آن را از بسیاری لحاظ سودمند می‌دانم. می‌توانیم از آن برای نوشتن موسیقی جدید خویش و پرداختن آهنگهای جدید بهره بگیریم. از نت نویسی و آرمونی در کار خویش که رهبری و آهنگسازی است از سال ۱۹۴۲ که در بمبئی بودم بهره گرفته و اکنون نیز که در پاکستان می‌گیرم. همه آهنگسازان برجسته این شبه قاره از این سیستم استفاده می‌کنند. این سیستم عیبی ندارد. اگر مردم مغرب نوشتن بعضی از جزئیات و عبارات و حرکات و ریزه کاریها و آرایشهای موجود در موسیقی سنتی ما را دشوار می‌یابند دلیل آن نمی‌شود که در سیستم ایشان نقصی است و اگر هم کاستی برای ثبت بعضی اصوات باشد می‌توان برای آنها هنگامی که آهنگسازان و خوانندگان و دانشمندان با موسیقی ما آشنا و از ژرفای نهانی آن آگاه شوند، علاماتی اختراع کرد. ضمناً مایه تأسف است که مردم غرب هنوز به فکر برخورداری موسیقی شرق نیفتاده‌اند. اگر هم بخواهند آگاهی درباره موسیقی شرق بیابند بیشتر به کتابهایی می‌نگرند که نویسندگان آنها مسائل را درست نمی‌دانند. هر گاه آهنگسازان مطالب را درست دریابند بی‌گمان می‌توانند هزارها آهنگ و عبارت و موومان زیبا و نو در موسیقی بیافرینند. به نظر من ایشان نیاز به قلمروهای کشف نشده دارند تا آهنگهای نو بیافرینند. مردم مغرب می‌توانند از روش آموزش آواز شرق نیز بهره گیرند. ما شرقیان تاب شنیدن آوازی یا سازی که حتی يك نت بالاتریا



پایین تر باشد نداریم. منظورم آنست که بسیاری از گرایشهای مکانیکی آواز و ساز را می توان از موسیقی غربی با پیروی از روش نت سورگیان یا ماسترین موجود در کشورهای شرق برانداخت .

ما شرقیان نیز همچنين می توانیم از سرچشمه های جوشان موسیقی غربی بهره گیریم و به بررسی و تحلیل سنفونیاها و سوناتاها و حتی آهنگهای فوکستروت و والس و تانگو و رومبا و سامبا و دیگر انواع موسیقی بپردازیم . از این ها می توانیم استفاده سرشار کنیم و موسیقی خویش را گسترش دهیم . مقصود من آنست که در تفاهم شرق و غرب میدانی بی کران به روی ما گشوده می شود . بهره بردن از نت نویسی نه تنها برای حفظ و نگهداری موسیقی سنتی ماضوری است بلکه با استفاده از آن هزارها ترکیب در شبه قاره ما باروش نت نویسی ( که مانند نت سولفا است ) در کتابها ثبت شده و امروزه هنرجویان از آنها بسیاری نکات می آموزند و در گرفتن درجات علمی از آنها برخوردار می گردند . شگفت است که مردم مغرب هیچ آگاهی از این مطلب ندارند . هدف ما از فراگرفتن نت نویسی غربی عبارتست از اینکه نخست به زیباییهای موسیقی غربی پی ببریم و دوم آهنگهای نوبسازیم و موسیقی سنتی و فولکلریک و نوین خود را با نت غربی منتشر کنیم تا غریبان از آن برخوردار شوند . اینها را کم نگیرید اینها از نیت خوب و برادری داستان می زند .

خلاصه آنکه هزارها چیز خوب و آفریننده می توانیم از یکدیگر بگیریم . به نظر من به جای وقت تلف کردن بر سر اندیشه های ناچیز و بیهوده بهتر است برای یافتن يك راه حل استوار و شایسته همکاری کنیم . اکنون زمان تعیین قطعی هدف ما است که اگر هدف ما مشخص است . هر گاه « داد و ستد » کردن را سرمشق خویش قرار دهیم بی درنگ راههای درست و وسایل پیمودن آنها در پیش چشم ما آشکار خواهد شد . معتقدم که تفاهم و همکاری نعمتهای بزرگی هستند و این سمینار امیدوارم خاطره ای همیشگی از خود بجای گذارد و مبدأ و آغازی برای تفاهم شرق و غرب و برخورداري يك طرف از سرمایه سودمند طرف دیگر باشد . به این منظور چند پیشنهاد تقدیم می کنم :



۱- هیچ‌یک از سیستم‌های موسیقی از همه لحاظ کامل نیست پس باید بکوشیم تا روحیه فراگرفتن از یکدیگر را پرورش دهیم. زیرا که مسئله تنها بر سر سازمان بخشیدن به موسیقی شرق نیست بلکه همچنین گسترش آهنگها در جهان مغرب مطرح است. پیشنهاد می‌شود که آهنگسازان غربی از رگه های شرق که شمار آنها به سه هزار می‌رسد استفاده بیشتری کند. همچنین آهنگسازان شرقی از سرچشمه‌های جوشان غرب برخوردار شوند.

۲- به آهنگسازان و پژوهندگان برجسته شرق باید بورس برای بررسی در دانشگاه‌های شرق داده شود. هر یک از ایشان می‌تواند دو کار بکند. یکی آنکه موسیقی آن کشور را بیاموزد و تحلیل کند و از آن برای کشور خود بهره گیرد. دیگری آنکه با همکاری با یک آهنگساز آن کشور می‌تواند آهنگهای نوی و دلچسبی بر موسیقی بیفزاید.

۳- در قوانین و مقررات کنونی انجمنهای آهنگسازان غرب باید چنان تجدید نظر شود که اجازه دهد تا آهنگسازان شرق بتوانند به عضویت آنها در آیند و تشویق شوند که آهنگهایی بیافرینند که بر ثروت و غنای موسیقی جهان بیفزاید. با این شیوه ایشان موسیقی غربی را هم بهتر درک خواهند کرد و بر گنجینه آهنگهای کشور خویش خواهند افزود.

۴- وسیله آموزش نت نویسی باید شیوه سارگام ما یعنی نوع نت نویسی سولفا رایج در کشور ما باشد. به عبارت دیگر نت باید با شیوه سارگام خوانده و سروده و نواخته شود. این روش دو سود دارد (الف) می‌توانیم مشخصات ملی مورد نیاز آواز خود را که در نمایشها و مجامع غالباً با سارگام خوانده و سروده می‌شود نگهداری و حفظ کنیم. (ب) آنکه مردم و موسیقی دانان مانمی‌توانند بگویند که «چرا باید ما یک روش بیگانه را فراگیریم؟»

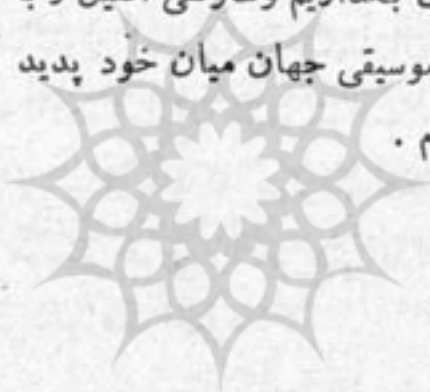
۵- باید میان سیستم نت نویسی ملی و جهانی همزیستی برقرار کرد و کوشید تا نقائص هر یک را بر انداخت و چیزهایی بر آنها افزود تا کامل شوند. آموزش نت نویسی ملی باید اجباری و نت نویسی جهانی مکمل آن شناخته شود.

۶- بسیار ضروری است که به هنگام نت نویسی موسیقی شرقی دقت کامل به عمل آید که آرمونی بسیار مراعات شود و الا آن آهنگ غربی جلوه می‌کند.

موسیقی کلاسیک و سنتی ما را باید ترتیبی داده شود که آهنگ شخصیت خود را حفظ کند. موسیقی کلاسیک و سنتی ما را باید تنها در شیوه تک خطی نوشت. این تنها راه حفظ اصالت آن است.

۷- مردم آسیا نیز باید غالباً آهنگسازان خویش را به کشورهای یکدیگر بفرستند تا با موسیقی یکدیگر بهتر آشنا شوند. آهنگهایی از کشورهای دیگر ضبط شود و برای آنها شعر مناسبی به زبان دیگر کشورها بسازند تا با این شیوه آن آهنگها محبوبیتی یابند و بر سر زبانها افتند. به کار بستن این روش موجب پیدا شدن یگانگی و هماهنگی بزرگی در میان سیستمهای موسیقی شرق می شود. اینها چند پیشنهاد ناچیز بود. آهنگسازان برجسته‌ای که در این مجلس حاضرند می‌توانند بسیاری نکات بر آنها بیفزایند. درخواست من آنست که دشمنیها را بکناری بگذاریم و سازشی اصیل و با سرافرازی به طور دائم برای گسترش و بهبود موسیقی جهان میان خود پدید آوریم.

سپاسگزارم.



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی